

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین یوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجری
۲۸ دسمبر ۲۰۲۲

پاسخ به چند پرسش در مورد جنبش انقلابی اخیر

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: با سلام های گرم به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران. با اوج گیری مبارزات توده ها در یک ماهه اخیر که سراسر کشور را فرا گرفته شاهدیم که هر روز مبارزه نیروهای انقلابی جامعه با سرکوبگران مدافع سیستم ظالمانه سرمایه داری در ایران به شکلی در جریان هست. در این موقعیت برخی از بازدیدکنندگان کانال بذرهای ماندگار در تماس با ما پرسش هائی را مطرح کردند ما این پرسش ها را با رفیق فریبرز سنجری از مسئولین چریکهای فدائی خلق ایران در میان گذاشتیم تا با جویا شدن از پاسخ های این رفیق بازدید کنندگان کانال بذرهای ماندگار هر چه بیشتر در جریان مواضع چریکهای فدائی خلق در این موارد قرار بگیرند.

پرسشگر بذرهای ماندگار: با درود به رفیق فریبرز سنجری گرامی، خوشحالیم که بار دیگر پاسخگوی پرسش های ما هستید.

رفیق سنجری: من هم متقابلاً تشکر می کنم از شما و بسیار خوشحالم که یک دفعه دیگر همراه با شما پاسخگوی پرسش های جوانان و عزیزانی هستم که از کانال تلگرامی بذرهای ماندگار بازدید می کنند.

پرسش: خیلی ممنونیم از شما. رفیق سنجری شعله ور شدن خیزش توده ها که طی آن جوانان با دست خالی اما واقعا با یک جسارت تحسین برانگیزی گاه مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی را وادار به فرار می کنند پرسش هائی را برای بازدیدکنندگان کانال بذرهای ماندگار سبب شده. اجازه بدهید که قبل از اینکه پرسش ها را مطرح کنم تاکید کنم که چون قرار هست این پرسش و پاسخ ها به طور مجزا هم پخش بشود ناگزیر هستیم که باید به شما اطلاع بدهم که پاسخ ها باید کوتاه و هر پاسخی در محدوده ۵ دقیقه باشد. تا ما بتوانیم در سطح وسیع تری پاسخ ها را پخش بکنیم. با این تاکید اولین پرسش را مطرح می کنم که آن این هست که: خامنه ای و دستگاه تبلیغاتی اش خیزش بزرگ کنونی را به دولت های خارجی و به خصوص به آمریکا و اسرائیل نسبت می دهند و این دولت ها هم علناً از حق مردم در این اعتراضات سخن می گویند. شما این وضعیت را چگونه توضیح می دهید؟

پاسخ: اگر دیکتاتوری حاکم چنین نمی گفت باید ما تعجب می کردیم. چون این دارو دسته جنایتکار حاکم در این حدود ۴۳ سالی که در ایران قدرت گرفتن و به جنایت مشغولند هیچ خیزش توده ای نبوده که آنرا به دولت های خارجی نسبت ندهند. مگر سال ۱۳۸۸ آن جنبش بزرگ را تحت عنوان انقلاب مخملی سرکوب نکردند. بگذارید تاکید کنم که اساساً دیکتاتور هائی که به دروغ مدعی حمایت ۹۹ درصدی مردم هستند در مواجهه با شورش و شورش های بزرگ و شورش های توده ای گرسنگانی که کارد به استخوانشان رسیده چاره ای هم جز این هم ندارند. چون آنها که نمی توانند اعتراف کنند فاقد هر گونه مشروعیت مردمی هستند پس همه اعتراضات را به خارج و نیروهای بیگانه نسبت می دهند. اینکه دستگاه تبلیغاتی قدرت های غربی اخبار خیزش را منعکس و علناً هم از حق مردم در اعتراض حمایت می کنند قبل از هر

چیز بیانگر این است که نمی خواهند در افکار عمومی کشور خودشان حامی جمهوری اسلامی شناخته شوند. از طرف دیگر به این هم باید توجه کرد که با چنین فشارهایی شرایط را برای پیشبرد سیاست های خودشان در آینده هموار می کنند. بی دلیل نیست که در آمریکا گفته می شود مذاکرات برجام به بن بست رسیده و تمرکز دولت ایالات متحده آمریکا روی اعتراضات کنونی می باشد.

پرسش: بله. خیلی ممنونیم از شما. رفیق سنجری گرامی شما تفاوت رژیم چنج با انقلاب را چگونه توضیح می دهید؟
پاسخ: ببینید انقلاب کار توده های جان به لب رسیده است. در انقلاب توده های وسیع ستمدیده بیامی خیزند تا نظم ظالمانه حاکم را براندازند و با کسب قدرت سیاسی یک نظم نوینی را برقرار کنند. به تاریخ هم اگر مراجعه کنیم برای نمونه در انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ که به رهبری بورژوازی فرانسه علیه فئودالیسم شکل گرفته بود این انقلاب باعث شد که فئودالیسم از بین برود و نظم سرمایه داری برقرار بشود. یا انقلاب کبیر اکتبر در ۱۹۱۷ در روسیه که آن نظم ظالمانه سرمایه داری و فئودالی آن موقع در روسیه را داغان کرد و کارگران را به قدرت رساند تا سوسیالیسم را برقرار کنند. بنابراین انقلاب بسته به اینکه در چه دوران تاریخی و در چه شرایط مشخصی رخ بدهد می تواند به رهبری طبقات گوناگونی شکل بگیرد و همین رهبری هم هست که در خیلی از مواقع ماهیت هر انقلابی را شکل می دهد. البته برخی انقلابات هم می توانند با شکست مواجه بشوند و به تغییر مناسبات تولیدی حاکم منجر نشوند مثل همین انقلاب سال ۵۷ در کشور خودمان که مردم برای بیرون راندن امپریالیست ها از ایران و رهائی از آن شر دیکتاتوری ای که رژیم شاه حاکم کرده بود بپا خاستند اما چون رهبری با درایت انقلابی در صحنه نبود امپریالیست ها در گوادلوپ دار و دسته خمینی را یعنی همین جمهوری اسلامی را جایگزین رژیم سلطنت کردند و انقلاب عملاً "ملا خور" شد.

با توجه به توضیحات بالا پس انقلاب امر توده هاست که در هر زمانی نتیجه اوضاعیه که خارج از اراده سازمان های سیاسی شکل می گیرد. اما رژیم چنج که به خصوص در کشورهایی که به دنبال فروپاشی شوروی سابق شکل گرفتند، رایج شد. به این معناست که در کشور مفروض دار و دسته های درونی طبقه حاکمه با کمک قدرت های امپریالیستی دولت حاکم را سرنگون می کنند و یک دولت وابسته دیگری را جایگزین آن می کنند تا سیاست های قدرت های امپریالیستی ای که پشت این توطئه بوده اند را پیش ببرند. بنابراین رژیم چنج سیاست طبقات حاکمه است و اصلاً ربطی به خواست های مردم و بپاخاستن آنها برای رسیدن به این خواست هایشان ندارد، البته در خیلی از مواقع هم قدرت های بزرگ تلاش می کنند که با حضور توده ها در خیابان ها سیاست هایشان را تحت نام و در پوشش مردم پیش ببرند. بر عکس آن دوره ای که بیشتر با توسل به کودتای نظامی رژیم های مورد نظر خودشان را به قدرت می رسانند. با توجه به زمان فکر کنم که این توضیح کافی باشد.

پرسش: بله خیلی ممنونم از شما. پرسش بعدی که می خواهم از شما بپرسم این است که به نظر شما مبارزه و روش های آن علیه سیستم موجود (در ایران) چیست؟

پاسخ: ببینید. در هر جامعه ای و در هر کشوری مبارزه اشکال مختلفی دارد و هیچ وقت و در هیچ کجا نمی شود فقط به یک شکل از مبارزه اکتفا کرد و یا مبارزه مردم را به یک شکل محدود کرد. قبل از پرداختن به روش های مبارزه علیه سیستم موجود در ایران یعنی نظام سرمایه داری وابسته و جمهوری اسلامی به عنوان حافظ آن ضروریه که ابتدا من به چند نکته اشاره کنم.

نکته اول این است که باید به این توجه داشت که این واقعیتی ست که تا حدودی اشکال مبارزه ستمدیدگان و اقشار فرودست علیه سیستم ظالمانه حاکم را خود دشمن با محدودیت هایش به مردم تحمیل می کند. برای نمونه وقتی یک دیکتاتوری لجام گسیخته همه راه های مبارزات مسالمت آمیز را با سرکوب ددمنشانه خودش مسدود می کند به طور طبیعی مردم و روشنفکران انقلابی به سوی مبارزه قهر آمیز متمایل می شوند. در دوران رژیم گذشته چون دیکتاتوری شاه مثل جمهوری اسلامی همه روش های (مبارزه) مسالمت آمیز را بی نتیجه ساخته بود نیروهای انقلابی به مبارزه

مسلحانه روی آوردند. چون امکان حفظ تشکل انقلابیون و ارتباط با کارگران و ستمدیدگان بدون توسل به این شکل از مبارزه وجود نداشت واقعا.

نکته دوم هم که باید به آن توجه کرد این است که اشکال مبارزه در هر جامعه ای بسیار متنوع هستند و هر قشر و طبقه ای تا جایی که امکان داشته باشد از این اشکال استفاده می کند اما همواره باید توجه داشت که در میان اشکال مختلف مبارزه همیشه و قاعدتا یک شکل از مبارزه است که شکل اصلی را تشکیل می دهد که بقیه اشکال مبارزه حول آن معنای واقعی پیدا می کنند. برای نمونه در دهه آخر حکومت شاه مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه بود و بقیه اشکال مبارزه هم در حول این شکل از مبارزه امکان رشد و گسترش پیدا می کردند.

با توجه به این توضیحی که دادم حال لازمه تاکید کنم که نیروهای انقلابی اهمیت هیچ شکلی از مبارزه را نادیده نمی گیرند و نباید هم بگیرند. اما همواره تلاش می کنند شکل اصلی مبارزه را بشناسند و تبلیغ کنند و در جهت اش حرکت کنند. نباید فراموش کرد که به طور کلی از اعتصاب کارگران برای دستیابی به مطالباتشون و حقوق های معوقه شون تا تجمع کشاورزان برای رسیدن به حق آبه شان و یا سرودن یک شعر انقلابی و تهیج کننده از سوی یک شاعر تا شعار نویسی یک دانش آموز بر روی دیوار همه و همه اشکال مختلف مبارزه ای که در شرایط ایران اهمیت مهمی دارند و باید به آنها توسل جست.

به طور مشخص در شرایط کنونی در ایران از تظاهرات توده ای در خیابان ها تا یورش به اراذل و اوباش حکومتی و پرتاب کوکتل مولوتف بسوی آنها گرفته تا مثلا اعتصاب معلمان و کارگران و تجمعات دانشجویی و یا اعتراضات دانش آموزان همه و همه شکل های گوناگون مبارزه اند. اما مساله مهم همواره اینه که با توسل به چه شکل از مبارزه میشه آن سازمان یا حزب انقلابی را ساخت که قادر باشد توده ها را بسیج کنه و به تدریج هم ماشین نظامی رژیم حاکم یعنی آن ارتش و سپاه و غیره را در هم بشکنه و سرانجام دیکتاتوری حاکم را به زیر بکشد. به باور ما تجربه نشان داده در ایران و در زیر سلطه دیکتاتوری رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه متحقق کننده چنین هدفی است و شکل اصلی مبارزه است به همین دلیل هم ما همواره کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی را به تشکیل هسته های سیاسی نظامی و مباردت به مبارزه قهر آمیز دعوت می کنیم که البته دلائل عینی آنرا با توجه به محدودیت زمانی میشه و باید در فرصت های دیگر بیشتر توضیح داد.

پرسش: خیلی ممنونم از شما. از نظر شما اهمیت و لزوم تشکل یابی و سازماندهی چگونه است؟

پاسخ: امر غیر قابل انکاریه که در مبارزه فرد و تشکل همواره قدرت تشکل بیشتره. برای نمونه وقتی کارگران یک کارخانه به صورت فردی به دنبال خواست هایشان می روند عمدتا قادر به دستیابی به آنها نمی شوند اما وقتی با کارگران دیگر و همکاران دیگرشان همدست و هم صدا می شوند، به دلیل آن قدرت جمعی ای که پیدا می کنند، امکان دستیابی به مطالباتشان هم بیشتر می شود. با توجه به همین واقعیه که مارکسیست ها همواره به امر تشکل و سازماندهی اهمیت خیلی زیادی می دهند. شما برای رسیدن به یک خواستی با تعداد دیگری متحد می شوید عملا قدرت خودتان را با این کار افزایش دادید. برای همین هم هست که در میان ایرانیان معروفه که "یک دست صدا ندارد". اهمیت تشکل و سازماندهی را از روی حساسیت دشمن به این امر هم میشه دریافت. جمهوری اسلامی در طول عمر ننگین خودش به هر وسیله ای متوسل شده تا مثلا کارگران متشکل نشوند و در پراکندگی بسر ببرند. چون سرکوب کارگر تنها، بسیار ساده تر از سرکوب کارگران متحد و متشکل است. چرا جمهوری اسلامی تمام تلاش خودش را از آن اولین روزی که روی کار آوردنش برای سرکوب و کشف تشکل های سیاسی و صنفی و سازمان های سیاسی گذاشت؟ چون حذف تشکل ها و سازمان های پیشرو، سرکوب هر گونه حرکت انقلابی و توده ای علیه این نظام ظالمانه را برایش راحت تر می کرد. به همین دلیل هم هست که مارکسیست ها شعارشان "کارگران جهان متحد شوید" است. چریکهای فدایی خلق ایران هم با توجه به اهمیت تشکل، بر ضرورت به وجود آوردن یک سازمان انقلابی حرفه ای که در شرایط ایران به طور اجتناب ناپذیر باید مسلح و مخفی باشد تاکید می کنند و همه را به گام برداشتن در این راستا فرا می خوانند.

پرسش: رفیق سنجرى گرامى تعريف و جايگاه مبارزه مدنى عليه سيستم موجود و رابطه اش با كار سازمانى را چگونه توضيح مى دهيد؟

پاسخ: ببينيد به نظر من اين سوال درست تنظيم نشده چون مبارزه مدنى عليه سيستم موجود هم مى تواند سازمان يافته باشد. به هرحال پاسخ به اين پرسش از آن نارسائى كه در سوال وجود داره تاثير مى گيرد. براى همين هم براى گريز از اين امر تنها تاكيد مى كنم كه مبارزه مدنى چه فردى و چه سازمان يافته باشه مبارزه ايه در چهارچوب مقررات سيستم موجود و هدف آن هم تغيير نظام نيست بلكه تغيير و بهبود شرايط در چارچوب نظام حاكم است. فعالين اين مبارزه تلاش مى كنند در حاشيه اى كه مقررات و قوانين سيستم موجود ايجاد کرده براى رسيدن به مطالبات خودشون تلاش كنند. روشنه كه هر چقدر سيستم موجود جابرايه تر باشد اين حاشيه هم كمتر و محدود تر خواهد بود. همانطور كه قبلا هم گفتم مهم اينه كه ببينيم آيا سيستم موجود فضائى براى مبارزه مسالمت آميز و مدنى و از اين طريق رسيدن به خواست هاى را تحمل مى كند يا مثل جمهورى اسلامى تقريباً هر فضائى را اشغال و هر فردى را از استفاده از اين فضاها محروم مى كنه. واقعيت اينه كه جمهورى اسلامى در طول چهل و سه سال گذشته ثابت کرده كه توان تحمل هيچ گونه تشكلى صنفى و بر اساس اين سوال تشكلى مدنى را كه بيايند و مبارزه كنند و به يك خواست ها و مطالباتى برسند را ندارد. يعنى حتى آن تشكلى هاى صنفى و مدنى كه بخواهند در چارچوب "قانون" در ميان توده ها كار كنند و نيرو جذب كنند را هم تحمل نمى كند. به عنوان يك مثال كارگران هفت تپه سال هاست كه براى ايجاد يك تشكلى صنفى مبارزه كردند ولى تنها با اخراج و زندان و شكجه مواجه شدند. اين رژيم حتى به فعالين محيط زيست هم امكان تشكلى و فعاليت نمى دهد و ديديم با آنها چگونه برخورد كرد. جمهورى اسلامى در عمل نشان داده كه حتى تحمل عناصر و آن جناح هاى داخلى خودش را كه مثلاً به قول خودشون "خودى" تلقى مى شوند هم ندارد و آنها را هم از تيغ سرکوب بى نصيب نمى گذارد. نمونه اش حصر منتظرى و بعدش هم از سال ۸۸ هم حصر موسوى و كروبى كه هر دو شان بارها گفته اند كه مخالفتى با خود جمهورى اسلامى ندارند. در آخر هم بايد تاكيد كنم كه گرچه بايد از هر فضائى در مبارزه با ديكتاتورى حاكم سود جست اما مساله اصلى اين است كه با رژيمى كه با قهر و سرکوب سخن مى گويد و واقعا جز قهر و سرکوب روشى براى حرف زدن را قبول ندارد نيروهاى مبارز هم جز با قهر انقلابى نمى توانند يك مقابله موثر داشته باشند.

پرسش: بله. مرسى. من فكر مى كنم كه بهتر باشد توضيح دهم كه پرسش هاى كه با شما مطرح مى شود در حقيقت پرسش هاى هست كه از طريق دنبال كنندگان كنال بذراى ماندگار مطرح شده و ما عينا از شما مى پرسيم. پرسش بعدى كه قراره بپرسم اين هست كه منظور از طبقه و مبارزه طبقاتى چيست؟

پاسخ: اگر خيلى خلاصه بگم ماركسيسم به ما مى آموزه كه انسان ها در چهارچوب سيستم توليد حاكم و رابطه شان با وسائل توليد و آن نقشى كه در تقسيم كارى كه وجود داره پيدا مى كنند و سهمى كه از آن ثروت اجتماعى كه به آنها تعلق مى گيرد به طبقات گوناگون تقسيم مى شوند. جوامع بشرى از زمان حيات نظام برده دارى تا برده دارى نوين يعنى سرمايه دارى به طبقات تقسيم شده و مبارزه اين طبقات هم لوکوموتيو پيشرفت تاريخه و حركت اين جوامع را اين به واقع پيش مى بره و تعيين مى كند. در گذشته انديشمندان بورژوائى اين واقعيت را كشف كردند كه جامعه به طبقات تقسيم شده و هر كس در جامعه به طبقه اى تعلق دارد. بعد ماركس و انگلس بنيانگذاران كمونيسم با كشف اين امر كه جوامع بشرى از ابتدا طبقاتى نبودن و طبقات در مرحله خاصى از رشد جوامع شكل گرفته اين دانش را به دانش قبلى اضافه كردند كه طبقات در مرحله خاصى هم بعد از بين خواهد رفت. يعنى بر عكس تبليغات بورژواها سرمايه دارى يك نظم ازلى و ابدى نيست. با قدرت گيرى كارگران و تلاش براى ساختمان سوسياليسم كم كم جوامع سوسياليستى بسوى كمونيسم يعنى جامعه اى فاقد طبقات حركت خواهند كرد. تجربه هم نشان داده كه مبارزه طبقات با منافع گوناگون موتور محرکه جوامع بشرى و اين مبارزه طبقاتى كه گاه مخفى است و گاه آشكار است در نظام سرمايه دارى سرانجام به انقلاب و قدرت گيرى كارگران مى انجامد. بگذاريد در آخر تاكيد كنم كه آنچه گفتم خلاصه ترين شكل پاسخ به اين پرسشه وگرنه بايد و ميشه وسيعتر به توضيح اين امر پرداخت. اما چون گفتيد كه از محدوده پنج دقيقه بيشتر پاسخ ها را ندم به اين اکتفا مى كنم.

پرسشگر بذرهای ماندگار: بسیار سپاسگزاریم از شما رفیق فریبرز سنجرى گرامى كه مثل همیشه پاسخگوی پرسش
های بازديد كنندگان كانال تلگرامى چريكهای فدائى خلق بوديد. خيلى ممنونم.
سنجرى: متقابلا از شما سپاسگزارم كه چنين امكانى را شكل داديد. پيروز باشيد.

به نقل از: پيام فدائى، ارگان چريكهای فدائى خلق ايران شماره ٢٨٠، آبان ماه-عقرب- ١٤٠١

